



متون اسلامی از محدودیت‌های عقل به عنوان یک پدیده روشنگرانه عقلی یاد می‌کنند

حجت‌الاسلام پارسانیا در دوره آموزشی «عقل در قرآن و تمدن اسلامی» گفت: متون اسلامی ضمن آن که روشنگری عقل را ذاتی آن می‌دانند، از محدودیت‌های این روشنگری نیز نه به عنوان یک امر تحمیلی خارجی، بلکه به عنوان یک پدیده روشنگرانه عقلی یاد می‌کنند.

حجت‌الاسلام پارسانیا در دوره آموزشی «؛عقل در قرآن و تمدن اسلامی» گفت: متون اسلامی ضمن آن که روشنگری عقل را ذاتی آن می‌دانند، از محدودیت‌های این روشنگری نیز نه به عنوان یک امر تحمیلی خارجی، بلکه به عنوان یک پدیده روشنگرانه عقلی یاد می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا، نویسنده، پژوهشگر و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، در دوره آموزشی «؛عقل در قرآن و تمدن اسلامی» که به همت جامعه المصطفی (ص) العالمیه برگزار می‌شود، به ارائه بحثی درباره اقسام و معانی عقل و جایگاه آن‌ها از منظر قرآن پرداخت.

وی با بیان این که عقل و عقلانیت را می‌توان از وجوه مختلف مورد بررسی قرار داد، اظهار کرد: اول آنکه معنای عقل را به صورت تحت‌اللفظی می‌توان نشان داد. از وجه دیگر می‌توان بحث ریشه‌شناختی (etymology) در باب آن انجام داد و در باب آنکه چه سیر تاریخی را گذرانده به بحث پرداخت. نگاه معرفت‌شناسانه، منظر دیگر ملاحظه آن می‌تواند باشد. منظر دیگر بحث هستی‌شناسانه در باب آن می‌باشد. اینکه آیا جوهری مفارق و غیرمادی است یا قوه‌ای است در نفس انسان؟ در ملاحظه‌ای دیگر می‌توان عقل را در آگاهی بشر و حوزه فرهنگ اسلامی مورد بررسی قرار داد. از بین این اطوار مختلف بررسی عقل، آن منطری که در این مبحث مورد ملاحظه قرار گرفته منظر آخر است.

حقایقی که با عقل آشکار می‌شود عبارت است از زمین و آسمان‌ها و هر آنچه در آنهاست، خالق آسمانها و زمین، حسن و قبح و ارزش‌ها و همچنین نور بودن علم و معرفت
پارسانیا در ادامه بررسی خود از معنای عقل گفت: متناسب با موضوع، دو روش توصیفی و یا تاریخی را می‌توان اخذ کرد. در روش اول به مفاهیم عقل و ارتباط آنها با هم و با عطف نظر به متن می‌پردازیم. در روش دوم به تأثیری که مفاهیم مختلف عقل در ادوار مختلف داشته می‌پردازیم. مرجعیت قرآن و حدیث در طول تاریخ مسلمانان نشان از آن دارد که نقش کلیدی در توجه به مفاهیم مختلف عقل در فرهنگ مسلمانان وجود دارد. بایستی گفت که هر کدام از این دو، بخشی از پرداخت به بحث را روشن می‌سازند. اما ما در اینجا برآنیم تا نسبت متون دینی (قرآن و روایات) را با مفاهیم مختلف عقل بررسی کنیم. البته معانی مختلفی که سنت و فرهنگ اسلامی با آن‌ها برخورد داشته است.

وی افزود: برای این بحث ضروری است که ابتدا معانی و مفاهیم مختلف عقل را، که فرهنگ اسلام با آن‌ها مواجه شده است، بازیابی و بررسی کنیم و بعد از آن به سراغ متون رفته و هم آنها را ردیابی کرده و هم نحوه مواجهه متن با آنها را از نظر بگذرانیم. یعنی ببینیم که آیا اصطلاحات مختلف از عقل در همان معنای اصطلاحی به دست داده شده، در متن ذکر شده‌اند یا نه. البته چنین است که برخی از اصطلاحات، متأخر از شکل‌گیری متون است و بنابراین در این موارد باید به این پرداخت که آیا مرادف‌های معنایی آن وجود دارند و یا دلالت‌های التزامی و تطابقی‌ای می‌توان یافت یا خیر.

پارسانیا با اشاره به این که در اینجا فقط به بحث توصیفی خواهد پرداخت، تأکید کرد: در واقع ما برآنیم تا ظرفیت‌هایی را که اسلام برای این معانی مختلف داشته و دارد نشان دهیم. طریق ارائه مطلب نیز چنین است که در ذیل بیان معانی مختلف عقل و شرح آن‌ها، بررسی‌های معطوف به متن نیز انجام می‌گیرد.

وی با اشاره به امکان دسته‌بندی معانی مختلف عقل حول هشت محور، عنوان کرد: تقسیم به لحاظ وجودشناسی، تقسیم به لحاظ مراتب وجودی (شدت و ضعف وجودی)، تقسیم به حسب معقول و اینکه سوژه چه ابژه‌هایی را می‌تواند بشناسد، تقسیم به لحاظ روشی (عقل شهودی، عقل ابزاری و...)، تقسیم به لحاظ کاربردی (عقل نقادی و...)، تقسیم به لحاظ منبع (عقل قدسی، عقل سکولار و...)، تقسیم به لحاظ منطقه‌ای و گروهی و قومی (عقل یونانی، عقل عربی، عقل تاریخی، عقل اشعری، عقل کلامی) و تقسیم به لحاظ معرفت‌شناسی (عقل کانتی، عقل روشنگری و...) محورهایی است که به هر کدام به صورت جداگانه خواهیم پرداخت.

تقسیم وجودشناختی عقل

پارسانیا در مورد تقسیم وجودشناختی عقل گفت: عقل در این تقسیم‌بندی به سه لحاظ در نظر گرفته می‌شود؛ قوه درآکه و قوه عملی

که هر دو ذیل قوه ادراکی انسان قرار می‌گیرد و عقل به لحاظ وجودی منحاز و غیرمفارق و غیرمادی. در این جا باید گفت که وقتی بخشی از روح باشد که ادراک می‌کند عقل نظری در نظر نامیده می‌شود. واژه عقل در معنای قوه فهم در 30 سوره قرآن آمده و 49 بار تکرار شده است. رویکرد قرآن در باب آن مثبت است و در برخی آیات ایده عقلانیت، به مثابه هدف و غایت زندگی معرفی شده است (سوره غافر، آیه 67) علاوه بر این، مرادف‌های این واژه نیز در قرآن به کار رفته است. دلالت‌های التزامی زیادی وجود دارد که در نسبت با عقل است. برای مثال واژه علم که همراه و ملازم عقل است، 854 بار به کار رفته است. مفهوم عقل در این معنا، در احادیث و روایات نیز به کار رفته است.

عقل در متون دینی نه به عنوان فعل و کاری صرفاً انسانی و نه محصولی تاریخی، فرهنگی و تمدنی است و نه هویتی خودبنیاد و مستقل در نظام هستی دارد، بلکه از منزلتی میانه برخوردار است. عقل از دیدگاه قرآن آفریده‌ای الهی است و محب و محبوب حق است

این محقق و پژوهشگر در مورد عقل به عنوان قوه‌ای عملی با بیان این که واژه عقل به بازدارندگی نیز اشاره دارد، گفت: در عربی، واژه عقل به معنی بند نیز به کار می‌رود و علت آنکه به قوه دراکه هم این عنوان داده شده از آن جهت است که آن نیز بازدارنده از هوی و هوس و میل است و در واقع مفهوم را به بند می‌کشد و به آن حد می‌زند. حال این معنای بازدارندگی در بعد عملی نیز در قرآن ذکر شده است. به عنوان مثال قرآن می‌فرماید «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید» (بقره/44) حال درست است که عقل در معنای خاص قوه بازدارندگی لحاظ نشده ولی در این معنا به کار رفته است. در احادیث نیز می‌یابیم که عقل به نحوی به کار رفته که معنای عملی را نیز دربرگرفته است.

وی درباره عقل به مثابه وجود مستقل، با بیان این که در قرآن لفظ عقل به این معنا به کار نرفته است، اظهار کرد: اما این واژه در قرآن (به عنوان مثال در آیه 21 سوره حجر) در مفهوم و معنای موجودات غیرمادی‌ای که کمال ندارند و بخشی از سلسله علت‌ها قرار می‌گیرند، به کار رفته است. در احادیث نیز لفظ عقل را در بیان موجودات غیرطبیعی که منشأ موجودات طبیعی هستند، می‌یابیم. برای مثال گفته شده است که «اول ما خلق الله العقل» در اینجا نمی‌توان عقل را بخشی از نفس و روح در نظر گرفت؛ چرا که در این صورت یا بایستی همزمان با آفرینش نفس بوده باشد و یا بعد از آن؛ حال آنکه این روایت چنین بیان می‌کند که خلق عقل قبل از خلق هر چیز دیگری بوده است و یا طبق حدیثی از حضرت علی(ع)، چنین اظهار شده که عقل در آدمی است که کشف می‌شود، در انسان بالغ و رشد یافته، ظاهر می‌شود و این بدان معنی نیست که در طبیعت و یا در کودک وجود نداشته باشد، بلکه بدین معنی است که در او ظهور نمی‌یابد.

خداوند سبحان در خطاب به پیامبر(ص) از تعلیم وحی خود، به عنوان علمی یاد می‌کند که او از نزد خود نمی‌توانست فرا گیرد و به دیگران نیز می‌فرماید پیامبر(ص) به شما چیزی را تعلیم می‌دهد، که شما از نزد خود نمی‌توانستید فراگیرید

تقسیم عقل به لحاظ مراتب وجودی

پارسانیا در مورد تقسیمات فلسفی مراتب عقل و جایگاه قرآنی این مراتب گفت: عقل بالقوه در قرآن نیامده است، اما معنای آن در قرآن لحاظ شده است. این که خداوند می‌فرماید انسان‌ها را از بطون مادران آفریده است، نشان می‌دهد که انسان ابتدا لوح سفیدی است که می‌تواند نقش گیرد. عقل بالملکه نیز به خودی خود در قرآن ذکر نشده، اما مفهوم و مراد از آن در قرآن آمده است. نفس بعد از خلق، یکی از معارف را از همان ابتدا دارد و در او لحاظ است؛ یعنی در باب آن فکر نمی‌کند. در باب عقل بالفعل که مراد از آن فهم عقل از مجرای استدلال است، بسیاری آیات وجود دارد که وجود چنین وضعیتی را تأیید می‌کند. عقل مستفاد که قویتر از عقل بالفعل است و می‌تواند با کمک حواس امور را ادراک کند و راجع به آینده پیش‌بینی کند، در قرآن، با اندکی تأمل در داستان خضر و موسی، قابل ردیابی است. ویژگی خضر آن بود که خدا از جانب خویش (من لدنا) به او علم آموخت. روایات و تواتراتی که در باب حضرت عیسی نیز بیان می‌شود، همین حقیقت را در باب او تأیید می‌کند.

تقسیم عقل به حسب معقول

وی درباره اقسام عقل ادراکی به حسب موضوع گفت: عقلی را که قوه ادراکی انسان است، از جهت موضوع ادراک آن نیز می‌توان به اقسامی تقسیم کرد. بسیاری از آیات و روایات، عقل به معنای قوه ادراکی را در موارد شناخت هستی‌هایی به کار برده‌اند که مستقل از اراده انسان حضور دارند. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ راستی که در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتیهایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و [نیز در] گرداندن باده‌ها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعا نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد» (بقره/164)

پارسایا ادامه داد: نکته قابل توجه این است که در آیه یاد شده و آیات مشابه آن، عقل تجربی و طبیعی، مستقل از عقل متافیزیکی و تجربیدی در نظر گرفته نمی‌شود؛ زیرا در همان آیاتی که بر نظر به آسمانها و زمین و نظر به پدیده‌های طبیعی تأکید کرده، این نظر تجربی را با مبادی متافیزیکی در هم می‌آمیزد و از انسان‌ها می‌خواهد تا تجربه خود را در جستجوی مکانیزم خلقت و آفرینش الهی دنبال کنند، یعنی این آیات هم متافیزیک را به رسمیت می‌شناسد و هم از متافیزیک الهی و توحیدی برای تفسیر تجربیات طبیعی استفاده می‌کنند.

تقسیم روشی عقل

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره تقسیمات روشی عقل انسانی گفت: عقل شهودی، حضوری و عقل حصولی یا مفهومی، عقل تجربیدی و تجربی و همچنین عقل برهانی و جدلی، از جمله اصطلاحاتی هستند که درباره عقل وضع شده‌اند. این اصطلاحات به اقسامی از عقل اشاره دارند که به حسب روش از یکدیگر امتیاز پیدا کرده‌اند. در بسیاری از آیات قرآن نمونه‌هایی از علم شهودی و حضوری وجود دارد. برای مثال در آن جا که می‌فرماید «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوَّلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ اَلَا اِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ اَلَا اِنَّهُمْ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطُونَ» به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است. آری آنان در لقای پروردگارشان تردید دارند آگاه باش که مسلماً او به هر چیزی احاطه دارد.» (فصلت/ 4 و 53) علم حصولی، علمی است که با وساطت مفهوم و به حسب موضوعات مختلف با روش‌های تجربی و تجربیدی، و از طریق حواس مختلف و با تفکر و استدلال حاصل می‌شود.

اصطلاح عقل یونانی، عقل عربی، عقل غربی و غیر آن، هنگامی که به صورتی به کار برده شود که عقل را به افق تاریخ و فرهنگی منطقه و گروهی خاص تنزل دهد، اصطلاحی نیست که در متون اسلامی مورد قبول و پذیرش قرار گیرد و افزود: بسیاری از آیات و روایات به این روش‌ها، اشاره کرده و یا در گفت‌وگوی با دیگران این روش‌ها را به کار برده است مثل، «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» اگر در آنها [=زمین و آسمان] جز خدا خدایانی [دیگر] وجود داشت قطعاً [زمین و آسمان] تباه می‌شد پس منزّه است خدا پروردگار عرش از آنچه وصف می‌کنند» (انبیاء/ 22) این آیه برهان تمناع را بر توحید بیان می‌کند، برخی از آیات نیز مدعیات مخالفان را غیربرهانی نامیده و یا آن که از آن‌ها می‌خواهد، برهان خود را بیان کنند؛ مانند «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» اگر راست می‌گویید برهان خویش را بیاورید» (نمل/ 64) در نگاهی دیگر تقسیم عقل به عقل برهانی و جدلی، خطابی، مغالطی نیز می‌تواند نوعی تقسیم روشی باشد. زیرا عقل روش‌های مختلفی را در برهان، جدل، شعر، خطاب و مغالطه شناسایی می‌کند و اگر استفاده از برخی از این فنون را جایز بدانند، آن‌ها را با روش مربوط به خود به کار می‌برد. «إِذْ أَوْحَىٰ إِلَىٰ سَيِّدِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالْتِیٰ هِیَ أَحْسَنُ إِنْ رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّٰ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است» (نحل/ 125) حکمت در این آیه به روش حصولی برهانی و یا شهودی قلبی تطبیق داده می‌شود و ادامه آیه به جواز استفاده از موعظه حسنه و خطاب نیکو دلالت می‌کند.

تقسیمات کاربردی عقل

پارسایا در ادامه به تقسیمات کاربردی عقل پرداخت و عنوان کرد: عقل را از جهت کاربرد آن نیز به اقسامی تقسیم می‌کنند، مانند عقل ابزاری، عقل ارتباطی و یا عقل انتقادی. عقلی ابزاری، عقلی است که قدرت پیش‌بینی و پیش‌گیری نسبت به امور طبیعی را به انسان می‌دهد و یا آن که سلطه آدمی را بر امور طبیعی تأمین می‌کند. عقل تفهیمی و ارتباطی عقلی است که به شناخت پدیده‌های انسانی که امور غیرطبیعی هستند، می‌پردازند. این عقل معانی مربوط به حوزه حیات انسانی را فهم می‌کنند. بسیاری از آیات قرآن نیز عقل را برای انتقاد نسبت به رفتار و اندیشه‌هایی به کار می‌برد که در حوزه حیات و زندگی انسان‌ها پدید آمده‌اند.

تقسیمات عقل به حسب منشأ و علل وجودی

وی درباره عقل به حسب منشأ و علل وجودی آن گفت: عقل را از جهت منشأ و مبدئی که برای آن در نظر گرفته می‌شود، به اقسامی تقسیم می‌کنند، مانند عقل سکولار، عقل قدسی، عقل خودبنیاد. عقل در متون دینی نه به عنوان فعل و کاری صرفاً انسانی و نه محصولی تاریخی، فرهنگی و تمدنی است و نه هویتی خودبنیاد و مستقل در نظام هستی دارد، بلکه از منزلتی میانه برخوردار است. عقل از دیدگاه قرآن آفریده‌ای الهی است و محب و محبوب حق است.

تقسیمات عقل به اعتبار عرصه حضور آن

پارسانیا درباره تقسیمات عقل به اعتبار عرصه حضور آن نیز گفت: عقل را از جهت دامنه حضور آن در عرصه فرهنگ و زندگی اجتماعی انسانی به اقسامی تقسیم می‌شود، نظیر عقل غربی، شرقی، عربی، عرفی، یونانی. عقل در این رویکردها اولاً به عنوان محصول مشترک حیات انسانی، پدیده‌ای عام در همه فرهنگ‌هاست و ثانیاً صورتی واحد و مشترك ندارد و پدیده‌ای تاریخی و نسبی است، به این معنا که هر فرهنگ به تناسب شرایط تاریخی و اجتماعی خود از نوعی عقلانیت مخصوص به خود برخوردار است.

بخشی از علم را که عقل به خود نمی‌تواند بیاید، همان علمی است که عقل آن را از گفت‌وگوی مستقیم با خداوند فرا می‌گیرد ... این معرفت اولاً، علم و معرفتی ضد عقل نیست بلکه علمی است که عقل بدون استماع کلام خداوند و هدایت خاص الهی از آن بی‌بهره می‌ماند و ثانیاً، علم و معرفتی نیست که در هدایت و ضلالت انسان بی‌اثر باشد، بلکه علمی است که بشر در شناخت، رضایت و محبت خداوند از آن گریزی ندارد.

وی با بیان این که قرآن عقل را پدیده‌ای شایع و عام برای همه عرصه‌های فرهنگی و تاریخی و همه گروه‌های انسانی نمی‌داند، اظهار کرد: در متون دینی گرچه از مجموعه‌ها، جوامع و گروه‌هایی سخن گفته می‌شود، که تعقل نمی‌کنند و لکن اخبار قرآن از این گروه‌ها اغلب اخباری عتاب‌آمیز است و این نوع از عتاب نشانه آن است که کسانی که از عقل و خردورزی روی برمی‌گردانند، امکان استفاده از آن را دارند. هنگامی افراد به سبب خردورزی نکردن ذم می‌شوند که شأنیت تعقل را داشته باشند و شأنیت تعقل را کسی دارد که از تعقل بالقوه و عقل بالملکه برخوردار است.

پارسانیا اضافه کرد: اصطلاح ارتکاز عقلانی عرف، اصطلاحی است که تحت‌تاثیر آموزه‌های متون اسلامی در جهان اسلام شکل گرفته است و این اصطلاح به سطحی از عقلانیت اشاره می‌کند که در دسترس عرف است و به عنوان حجتی الهی به رسمیت شناخته شود و در ردیف ادله استنباط احکام الهی قرار می‌گیرد. بنابراین اصطلاح عقل یونانی، عقل عربی، عقل غربی و غیر آن، هنگامی که به صورتی به کار برده شود که عقل را به افق تاریخ و فرهنگی منطقه و گروهی خاص تنزل دهد، اصطلاحی نیست که در متون اسلامی مورد قبول و پذیرش قرار گیرد.

تقسیمات عقل به حسب اعتبار معرفت شناختی

وی از اعتبار معرفت‌شناختی نیز به عنوان آخرین محور تقسیم عقل سخن گفت و عنوان کرد: عقلی را که قوه ادراکی انسان است، از جهت دامنه اعتقادی که به توان معرفتی آن وجود داشته باشد به اقسامی تقسیم می‌کنند، مثل عقل روشنگری، عقل نقلی، عقل اشعری، عقل معتزلی و عقل ظنی. عقل در تعبیر قرآنی، ویژگی روشنگری و ارائه حقیقت را دارد، قرآن کریم روشنگری آیات را منوط و مشروط به تعقل آدمیان دانسته و می‌فرماید ﴿قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛ ما نشانه‌ها را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید» (بقره/118) در روایات، عقل به عنوان نوری معرفی شده است که حقایق هستی را روشن می‌کند.

این محقق و پژوهشگر دینی با بیان این که عقل در تعبیر قرآنی حجاب واقع و حقیقت نیست و روشنگری آن به ارائه حقیقت است، عنوان کرد: حقایقی که با عقل آشکار می‌شود عبارت است از زمین و آسمان‌ها و هر آنچه در آنهاست، خالق آسمانها و زمین، حسن و قبح و ارزش‌ها و همچنین نور بودن علم و معرفت.

وی با اشاره به این که در تعبیر دینی عقل از جهت وجودی، هویتی خودبنیاد ندارد و مخلوقی است که به خالق خود قائم است، اظهار کرد: روشنگری و بعد معرفت‌شناختی آن نیز نامحدود و بی‌کرانه نیست و به رغم آن که خالق و آفریدگار خود و عالم را می‌شناسد، به کنه آن راه نمی‌برد. بخشی از علم را که عقل به خود نمی‌تواند بیاید، همان علمی است که عقل آن را از گفت‌وگوی مستقیم با خداوند فرا می‌گیرد.

پارسانیا درباره بخشی از علم که توسط انبیاء و اولیاء الهی و از طریق، شنیدن کلام مستقیم خداوند دانسته می‌شود، بیان کرد: این معرفت اولاً، علم و معرفتی ضد عقل نیست بلکه علمی است که عقل بدون استماع کلام خداوند و هدایت خاص الهی از آن بی‌بهره می‌ماند و ثانیاً، علم و معرفتی نیست که در هدایت و ضلالت انسان بی‌اثر باشد، بلکه علمی است که بشر در شناخت، رضایت و محبت خداوند از آن گریزی ندارد.

وی افزود: آیات قرآن کریم از این بخش علم، به عنوان علمی یاد می‌کند که بشر بدون حضور اولیاء و انبیاء الهی از داشتن آن محروم می‌ماند. خداوند سبحان در خطاب به پیامبر(ص) از تعلیم وحی خود، به عنوان علمی یاد می‌کند که او از نزد خود نمی‌توانست فرا گیرد و به دیگران نیز می‌فرماید پیامبر(ص) به شما چیزی را تعلیم می‌دهد، که شما از نزد خود نمی‌توانستید فراگیرید. بنابراین متون اسلامی، ضمن آن که روشنگری عقل را ذاتی آن می‌دانند، از محدودیت‌های این روشنگری نیز نه به عنوان يك امر تحمیلی خارجی بلکه به عنوان يك پدیده روشنگرانه عقلی یاد می‌کنند.